

# نگرشی کوتاه بر تعالیم اجتماعی آئین بهائی

نگارش: حوریوش رحمانی

ادیان الهی همواره نقش مؤثری در رهبری حیات اجتماعی بشر و شکل‌گیری تمدنها داشته‌اند. الهام از تعالیم ادیان بوده که عواطف و احساسات بشری را تلطیف نموده و راهگشای جوامع بسوی پیشرفت و ترقی گردیده است. ادیان پایه‌گذار معنویت و اخلاق بوده. انسانها را متوجه جنبه روحانی طبیعت خود ساخته و بزندگی مفهوم بخشیده‌اند.

نقش دین را در ترقی روحانی انسان و شکوفائی تمدن نمیتوان انکار کرد. گرچه ممکن است امروزه این سخن نزد بسیاری از مردم که شاهد پس‌گرائی جوامع در زیر سلطه حکومت‌های دینی بوده و به همه مصائب و مظالمی که در طول تاریخ در زیر پوشش مذهب و انگیزه‌های مذهبی بر انسانها روا داشته شده واقف هستند سخنی بس گزاف و نابجا باشد. ولی تحقیق و تعمق کافی در تاریخ تمدن نمایانگر آنست که ادیان همواره مشعل‌دار بیداری و آگاهی در جوامع بوده و هدف و جهت برای زندگی بشر تعیین نموده‌اند. اکنون که قرن‌ها از ظهور ادیان دیرین گذشته است شاید در عمل غیر ممکن باشد بتوان تأثیر عمیقی را که این جنبش‌های روحانی بر جامعه گذاشته‌اند آنطور که باید و شاید درک نمود، چه که در طول تاریخ گرایشها و تصورات پیروان ادیان و بخصوص تعبیر و تفسیرها و دیدگاه‌های شخصی پیشوایان دینی که از حب و بغض خالی نبوده و اکثراً با انگیزه جاه‌طلبی و دنیاپرستی همراه بوده موجب انحراف ادیان از مسیر واقعی خود گردیده است.

با توجه باینکه ادیان بزرگ پایه‌گذاران اصول و موازین اخلاقی بوده‌اند شاید بتوان تصور نمود که اگر اصولاً بشر بحال خود رها شده بود و پیامبران الهی هرگز ظاهر نشده بودند جامعه بشری اکنون در چه شرایطی بود و انسانها از نظر اخلاقی و معنوی در چه موقعیتی قرار داشتند؟ مطالعه وضع جوامع قبل و بعد از ظهور انبیای الهی نشان میدهد که انتشار و نفوذ تعالیشان از میزان توحش جامعه بنحو قابل ملاحظه‌ای کاسته است. جامعه‌هایی که قبل از ظهور پیامبران الهی در نهایت تدنی و وحشیگری بوده‌اند بعد از ظهور آنان و یا پیروی از تعالیم الهیه بناگهان تغییر جهت داده و همان مردم وحشی به انسان‌های شریف و بزرگوار تبدیل شده‌اند. مثلاً ظهور حضرت موسی قوم بنی اسرائیل را از بردگی و پستی نجات داد و به اوج بزرگی و اعتبار رسانید تا جائی که انبیای بنی اسرائیل خود الهام‌بخش تمدن یونان گردیدند. حضرت عبدالبهاء در این خصوص میفرماید: "... در تواریخ متعدده مذکور که فلاسفه یونان مثل فیثاغورث اکثر مسائل حکمت الهیه و طبیعیه را از تلامذه حضرت سلیمان اقتباس نمود و سقراط بسیاحت شتافته با بعضی از اجله علمای ربّانی اسرائیلی ملاقات نموده در مراجعت به یونان بنیان اعتقاد

وحدانیت الهیه و بقای روح انسانی بعد از خلع لباس اجسام عنصریه را تأسیس نمود" (۱)

همچنین ظهور حضرت بودا حیات معنوی مردم هند و سایر جوامع آن منطقه را تجدید نمود و پایه‌گذار تمدنی شکوفا در آن مناطق گردید. ظهور حضرت مسیح تمدن اروپا را بنیان نهاد و مسیحیت در طی قرن‌ها مشعل معنویت و اخلاق را در بسیاری از جوامع در سراسر جهان فروزان نگهداشت. ظهور حضرت محمد موجب اتحاد قبائل متخاصم عربستان گردید بطوریکه از بطن قبائلی وحشی که پیوسته با هم در جنگ و ستیز بودند جامعه جدید متحدی ظهور نمود و تمدنی بنیان نهاد که دامنه وسعتش از هند تا اسپانیا کشیده میشد و با تأثیرگذاری بر اروپائیان، عاملی برای رنسانس اروپا گردید. حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیه این معنا را چنین تأیید فرموده‌اند:

" اقوام و طوائف متوحشه اقلیم حجاز قبل از اشتعال سراج و هاج نبوت کبری در زجاجه بطحا جاهلترین قبائل و متوحش‌ترین طوائف عالم بودند... لکن بعد از طلوع نیر آفاق در آن خطه و دیار از تربیت آن معدن کمال و مهبط وحی ذی الجلال و فیوضات شریعت مقدسه الهی در مدت قلیله در ظل کلمه وحدانیت جمع شده این جمهور اشخاص متوحشه در جمیع مراتب انسانیه و کمالات بشریه چنان ترقی نمودند که کل ملل عالم در آن عصر مبهوت و متحیر گشتند..." (۲)

در واقع نقش مؤثری که ادیان الهی در پیشبرد تمدن داشته‌اند انکار ناپذیر است. ولی آنچه که از نظر کسانی که منکر این تأثیر هستند پنهان مانده حرکت تکاملی ادیان الهی و یا باصطلاح اهل بها استمرار ظهورات الهیه است. اگر از این دیدگاه به تحولات تاریخی بنگریم همه مسائل بنحو ساده ای قابل توجیه خواهد بود.

اصل استمرار ظهورات الهیه در واقع نمایانگر دیدگاه آئین بهائی در مورد تاریخ و فلسفه تاریخ میباشد. بهائیان نیروهای روحانی را عامل اصلی حرکت تاریخ و شکل‌گیری تمدنها میدانند. در بین فلاسفه و پژوهشگران تاریخ آرنولد توین بی A. Toynbee مورخ انگلیسی نظر مشابهی دارد. او بر خلاف مارکس که حرکت تاریخ را بر مبنای نیروی اقتصاد و انگیزه های مادی میدانست. معتقد است که قوای روحانی شکل دهنده تاریخ و عامل پیشبرد تمدن میباشند. جالب توجه آنکه آرنولد توین بی در بحث از تحولات ادواری تاریخ و مراحل رشد و سقوط تمدنها، در مورد آینده جهان و برخورد بین تمدن شرق و غرب به جنبشهای روحانی جدید و از جمله آئین بهائی اشاره نموده از آن بعنوان مرحله اولیه شکل‌گیری یک دین برتر که احتمالاً نوید دهنده

تمدن شکوفای آینده خواهد بود نام میبرد. (۳)

بدیهی است امروزه ادیان کهن با مشکل بزرگی روبرو هستند. دیگر هیچیک از آنها نفوذ و تسلط گذشته را ندارند تعالیشان با شرایط کنونی جهان تطابق ندارد و با واقعیات زندگی روزمره شدت در تضادی آشکار قرار میگیرد. بسیاری از رهبران مذهبی خود بر این حقیقت واقفند، گرچه سعی میکنند آن را نادیده بگیرند تلاشهای فراوانی از ناحیه علمای مذهبی جهت هم آهنگ نمودن احکام پیامبران گذشته با نیازهای این زمان بعمل آمده ولی با همه این کوششهای پیگیر نتیجه ای حاصل نشده است در واقع نفس این تلاشها خود مؤید آنست که پیشوایان دینی نیز علیرغم گرایشهای تعصبآمیز خود بطور ضمنی به لزوم تجدید دین معترف هستند. اهل بهاء را اعتقاد بر آنست که پیامبران الهی مر بیان بشریت هستند که بر اساس یک قانون کلی روحانی و بر حسب نیازهای جوامع بشری، در زمانهایی که جامعه دچار رکود معنوی میگردد ظاهر میشوند و با ظهور خود موجب پیشرفت و ترقی روحانی انسانها و شکوفائی تمدن میگردند.

در واقع تاریخ، داستان رشد بشریت است. همه جنبه های زندگی بشر در چهارچوب تاریخ در حال تکامل و ترقی است، چه که اصولاً تحرک و پیشرفت لازمه زندگیست و سکون و توقف پیام آور مرگ. اما متأسفانه گویی افراد بشر از این واقعیت غافل مانده اند چه که ملاحظه میشود با اینکه دین یکی از جنبه های حیات اجتماعی بشر است پیشوانان و پیروان هر یک از ادیان کهن بدون استثناء دین خود را نقطه پایان حرکت دینی در تاریخ حیات بشر میدانند و بر این باورند که احکام و تعالیم دینی آنها ابدی و تغییر ناپذیر است و با سرسختی خاصی بر این عقیده پافشاری دارند، حال آنکه این اعتقاد همه تلاشهای بشری را در جهت پیشرفت نفی میکند و دین را از سایر جنبه های زندگی جدا و آنرا با مسائل اجتماعی روز نامرتبب میسازد. در نتیجه دین جنبه عملی خود را از دست میدهد و وارد محدوده تخیلات و خرافات میشود و در نهایت سدی در راه پیشرفت ایجاد می نماید. شاید بتوان گفت دیانت بهائی اولین دینی است که بصراحت از لزوم استمرار فیوضات الهی و یا حرکت تکامل ادیان سخن گفته است.

بطور کلی تعالیم ادیان بر دونوع است. اول تعالیم فردی است که روابط انسان را با هموعان خود و با عالم خلقت مشخص میسازد مانند درستی، صداقت، پرهیزکاری، رحم و شفقت، نیکوکاری، بخشش و غیره این اصول کلی اخلاقی جزو تعالیم همه پیامبران الهی میباشد و در واقع وجه مشترک ادیان است. البته با ظهور هر پیامبر، این تعالیم نیز تجدید میشود و نیروی معنوی جامعه که در طول زمان به تحلیل رفته تقویت میگردد.

دسته دیگر تعالیم اجتماعی است که با شرایط زمان و بر حسب بلوغ فکری جامعه در حال تغییر و تحول میباشد و در واقع این دسته از تعالیم است که با ظهور پیامبران تغییر میکند. حضرت عبدالبهاء این مسئله را چنین توضیح فرموده اند:

" هر دینی از ادیان الهی منقسم به دو قسم است یک قسم اصل است که تعلق به عالم ابدی دارد و آن بیان تعالیم الهیه و مبادی اصلیه و ظهور محبت الله است که منطوق همه ادیان بوده و لن یتغیر و لن یتبدل است قسم ثانی فرع است که تعلق به جسمانیات یعنی معاملات دارد و بحسب ترقی انسان و اقتضای زمان و مکان در هر شریعتی تغییر و تبدیل پیدا کند" (۴)

بررسی دقیق تعالیم ادیان خود نمایانگر میزان رشد جامعه بشری مقارن ظهور آنها میباشد. ده فرمان حضرت موسی تعالیم اخلاقی ساده و اولیه ایست که اکثراً به اخلاق فردی و روابط فرد با خانواده و در نهایت همسایگان مربوط میشود و بیشتر بصورت قوانین قاطع اخلاقی میباشد که لازمه تربیت قومی است که در شرایط خشن اولیه زندگی میکنند. تعالیم حضرت مسیح با ملایمت و محبت بیشتری همراه است ولی باز کلاً به زندگی فردی مربوط میگردد. بطور کلی تعالیم اجتماعی ادیان کهن از مرز همسایگی فراتر نمیرود چه که اجتماعات بشری در آنزمانها ارتباط زیادی با یکدیگر نداشتند و روابط انسانها عموماً منحصر به محدوده همسایگی بود.

در اسلام، تعالیم اجتماعی اندکی پیشرفته‌تر میگردد و ارتباط و اتحاد قبایل را مطرح میسازد و از اینرو در مورد اداره امور اجتماعی نیز مسائلی عنوان گردیده است در واقع اسلام باعث اتحاد قبائل عرب شد و فکر تشکیل ملت واحد اصولاً از تعالیم حضرت محمد سرچشمه گرفته است. اما اکنون دوران ملت‌سازی به مراحل پایانی خود رسیده و جامعه بشری به مرحله بعدی تکامل خود یعنی وحدت جهانی وارد میشود از اینرو دیانت بهائی که در این زمان ظاهر شده است مبادی و اصولی ارائه میدهد که با نیازهای این دوره از زندگی بشر هم‌آهنگی دارد. تعالیم بهائی تماماً متناسب با مرحله بلوغ جامعه بشری و در جهت تأسیس یک مدنیت جهانی پیشرفته میباشد که با اصلاح "مدنیت الهی" و یا "ملکوت الهی" تعبیر گردیده است. ذیلاً با مروری کوتاه، بعضی از تعالیم اجتماعی آئین بهائی را که پاسخگوی نیازهای این مرحله از تکامل معنوی انسان است مورد بررسی قرار میدهیم:

### وحدت عالم انسانی

رسالت اصلی حضرت بهاءالله تحقق اتحاد ملل عالم میباشد. این اتحاد نشانه اوج تمدن و بلوغ

نوع انسان است. حضرت ولی امر الله دیانت بهائی را آخرین و والاترین مرحله تکامل حیات جمعی انسان بر کره ارض توصیف فرموده‌اند. (۵) میتوان گفت که جامعه بشری پس از طی مراحل مختلف و شکل‌گیری‌های گوناگون، بتدریج در طول تاریخ در واحدهای اجتماعی بزرگترین متحد گردیده و اکنون به مرحله اوج تکامل خود که وحدت تمامی نوع بشر می‌باشد نزدیک شده است. تعالیم حضرت بهاء الله راهگشای این اتحاد شگوهمند و پاسخگوی مشکلات و معضلات این زمان است، زمانی که مقدر شده است اتحاد بشری سراسر کره زمین را در برگیرد.

در حقیقت وحدت عالم انسانی محور اصلی اکثر تعالیم این ظهور اعظم است، ظهوری که دارای چنان قدرت و قابلیت است که قادر است بشریت را در نیل به بالاترین مرحله تکاملی حیات جمعی خود که دوران بلوغ عالم انسانی است یاری دهد. حضرت بهاء الله با خطابی محبت‌آمیز مردم جهان را این چنین به وحدت و یگانگی دعوت می‌نمایند:

"ای دانایان امم از بیگانگی چشم بردارید و به یگانگی ناظر باشید و باسبابی که سبب راحت و آسایش عموم اهل عالم است تمسک جوئید. این شبر عالم یک وطن و یک مقام است" (۶)

همچنین میفرمایند:

"ای احزاب مختلفه با اتحاد توجه نمائید و بنور اتفاق منور گردید لوجه الله در مقری حاضر شوید و آنچه سبب اختلاف است از میان بردارید" (۷)

و نیز در لوح دنیا میفرمایند: "آنچه سبب اختلاف و فساد و نفاق است از کتاب محو نمودیم و آنچه علت الفت و اتحاد و اتفاق است ثبت فرمودیم" (۸)

در واقع انبیای الهی همه پیام‌آور محبت و اتحاد بوده اند چنانچه در هر ظهور جدید بر حسب مقتضیات زمان و موقعیت زندگی اجتماعی حلقه اتحاد انسانها را وسیع‌تر کرده اند. حضرت عبدالبهاء در مورد اهمیت اتحاد و همچنین نقش سازنده دین در ایجاد الفت و اتحاد در بین نوع انسان میفرمایند:

"این واضح و معلوم است که اعظم وسائط فوز و فلاح عباد و اکبر وسائل تمدن و نجاح من فی البلاد محبت و الفت و اتحاد کلی بین افراد نوع انسان است و هیچ امری در عالم بدون اتحاد و اتفاق متصور و میسر نگردد و در عالم اکمل وسائل الفت و اتحاد دیانت حقیقیه الهیه است" (۹)

باین ترتیب حیات اجتماعی بشر که سیر تکاملی خود را از اجتماعات کوچک آغاز کرده در این زمان وارد مرحله جهانی شدن میشود و البته اتحاد و اتفاق انسانها نیز باید در ابعادی جهانی جلوه نماید تا راهگشای تمدن و رفاه نوع انسان گردد. در مورد سرنوشت محتوم بشریت که اتحاد جهانی است حضرت ولی امرالله میفرماید:

"اتحاد خانواده و قبیله و تأسیس حکومت شهری و وطنی بکلی بعد از دیگری به محک تجربه آمده و با موقفیت تحقق یافته است. حال اتحاد جهانی هدفی است که بشر پریشان بسویش روان است" (۱۰)

### صلح عمومی

استقرار یک صلح پایدار که در سایه آن مردم جهان بتوانند در رفاه و آسایش زندگی کنند و به پیشرفتهای مادی و معنوی نائل گردند از دیرزمان یکی از آرزوهای بشریت بوده است. متفکرین و مصلحین اجتماعی هر یک در زمان خود کوشیده اند تا برای تحقق این رؤیای دیرینه راههای بیابند.

صلح جهانی در واقع یکی از وعود کتب مقدسه میباشد. بنیانگذاران ادیان بزرگ جهان همه باتفاق تحقق این صلح را که طلوعه مدنیته درخشان و آغاز دوران طلایی حیات جمعی نوع انسان میباشد نوید داده اند. امروز استقرار صلح جهانی بعنوان بزرگترین آرمان و مهمترین هدف بشریت بیش از پیش اهمیت حیاتی پیدا کرده است.

در بیانیه بیت العدل اعظم "وعده صلح جهانی" که در سال ۱۹۸۶ به سرای دول جهان ابلاغ گردیده آمده است:

" این اولین بار در تاریخ جهان است که میتوان تمام کره زمین را با وجود اختلافات بیشمار مردمش بشکل یک واحد مجسم کرد. پس استقرار صلح جهانی نه تنها امکان دارد بلکه اجتناب ناپذیر است و مرحله دیگری از ترقی و تکامل عالم است که بقول یکی از متفکرین بزرگ مرحله جهانی شدن عالم بشری است" (۱۱)

امروزه با پیشرفت علوم و صنایع، یکپارچگی جهان کاملاً آشکار گردیده و ملل جهان بیش از پیش بیکدیگر همبستگی پیدا کرده اند. در حقیقت اتحاد ملل جهان از نظر مادی تحقق یافته است ولی وجدان جمعی بشر هنوز این واقعیت را درک نکرده و این اتحاد را نشناخته است و قصور

در شناسائی این واقعیت است که برای نوع بشر اینهمه رنج و الم بیار آورده و جهان را به بن‌بست کشانده است. حضرت بهاء‌الله بیش از یک قرن پیش با ارسال پیام‌هایی، فرمانروایان جهان را متوجه ابعاد عظیم این مصائب و مشکلات فرمودند. ولی متأسفانه این پیام ملکوتی ناشنیده انگاشته شد و در نتیجه بشریت متحمل مصائب فراوانی گردید که هنوز هم ادامه دارد چنانچه میفرماید:

"اریاح یأس از جمیع جهات در عبور و مرور است و انقلابات و اختلافات عالم یوماً فیوماً در تزايد. آثار هرج و مرج مشاهده میشود چه که اسبابی که حال موجود است بنظر موافق نمی‌آید" (۱۲)

جنگها، انقلابات و رویدادهای وحشت‌بار و اسفانگیز قرن بیستم و همه مشکلات و نابسامانی‌هایی که هنوز هم بشریت با آن روبروست، خود نمایانگر تحقق این پیشگویی است.

حضرت بهاء‌الله چگونگی نیل به صلح را به سران دول پیشنهاد فرموده و از آنها خواسته‌اند تا با تشکیل یک انجمن عمومی، در این مسئله مهم مشورت نمایند:

"لابد بر این است مجمع بزرگی در ارض برپا شود و ملوک و سلاطین در آن مجمع مفاوضه در صلح اکبر نمایند" (۱۳)

حضرت عبدالبهاء با اشاره به اهمیت صلح عمومی و حیاتی بودن آن فرموده‌اند:

"تا رایت صلح عمومی بلند نگردد محکمه کبری عالم انسانی تشکیل نشود و جمیع امور مابده الاختلاف دول و ملل در آن محکمه قطع و فصل نگردد عالم آفرینش آسایش نیابد بلکه هر روز بنیان بشر زیر و زبر گردد و آتش فتنه زبانه کشد و ممالک قریب و بعید را مثل خاکستر کند جوانان نورسیده هدف تیر اعتساف گردند اطفال مظلوم یتیم و بی‌پرستار مانند، و مادرهای مهربان در ماتم نوجوانان خویش نوحه و ندبه نمایند شهرها خراب شود و ممالک ویران گردد چاره این ظلم و اعتساف، صلح عمومی است" (۱۴)

آنچه در اینجا حضرت عبدالبهاء حدود صد سال پیش در مورد جامعه بشری جامعه‌ای که با سرسختی از قبول پیام شفاعت الهی سرباز میزند توصیف فرموده اند واقعیت تلخی است که در طی یک قرن اخیر در نقاط مختلف جهان به دفعات تکرار شده است و متأسفانه هنوز هم مردم جهان با وحشت فراوان روزانه شاهد صحنه‌هایی از این تجارب دردناک هستند.



## تساوی حقوق زن و مرد

نابرابری حقوق زن و مرد از ابتدای تاریخ تمدن بشری تقریباً در همه جوامع کم و بیش وجود داشته است. زنان با اینکه نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند بلحاظ آنکه شاید از نظر قوای جسمانی ضعیف‌تر از مردان هستند در طول تاریخ که پیوسته قدرت جسمانی غلبه داشته و جوامع بر اساس زور اداره میشده از حقوق اجتماعی و انسانی خود محروم بوده‌اند. در تمامی طول تاریخ، زنان در همه نقاط جهان شهروند درجه دوم بوده و تحت سلطه مردان قرار داشته‌اند مثلاً حتی تا قرن نوزدهم در انگستان زنان شوهردار قانوناً حق مالکیت نداشتند و از شرکت در امور اجتماعی محروم بوده‌اند. (۱۵)

تنها در طی صدوپنجاه سال گذشته بوده که زنان در امور اجتماعی به پیشرفت‌های بیسابقه‌ای نائل شده‌اند بطوریکه در همه کشورهای دموکراتیک از حق رأی مساوی با مردان برخوردار شده‌اند. همچنین به عضویت مجالس قانونگذاری انتخاب شده و به سمت‌های وزارت انتصاب یافته و حتی در چند مورد به نخست‌وزیری رسیده‌اند. با این حال این پیشرفت‌ها بسیار محدود بوده است و در سطح جهان، زنان برای برخورداری از تساوی کامل با مردان هنوز راه درازی در پیش دارند.

بطور کلی وضع زنان در جهان رضایت‌بخش نیست. هنوز تعصبات کهنه در مورد آنان وجود دارد بطوریکه تعداد زیادی از زنان که در معرض حمله و خشونت حتی در خانواده خود واقع میشوند خود شاهدهی است بر این واقعیت دردناک. در اکثر کشورهای جهان سوم وضع بسیار اسف‌انگیزتر است. میزان تلفات اطفال در بین دختران بیشتر از پسران است هرچند که دختران از نظر بیولوژیکی قوی‌تر از پسران هستند. در این کشورها دختران از تحصیلات کافی برخوردار نیستند و غالباً مجبور به پذیرفتن ازدواج‌های تحمیلی میشوند و در معرض انواع رفتار خشونت‌بار و الزام به فحشاء قرار میگیرند.

از نظر اقتصادی نیز زنان در طبقه پائین‌تری از مردان قرار دارند. بر طبق گزارش سال ۱۹۸۰ سازمان ملل متحد، زنان در حالیکه ۵۰ درصد جمعیت جهان و یک سوم نیروی کار رسمی را تشکیل می‌دهند تقریباً معادل دو سوم مجموع ساعات کار رسمی کار میکنند و درآمدشان فقط یک دهم درآمد کل است و کمتر از یک درصد مالکیت جهان را دارا میباشند.

با توجه باینکه در طول تاریخ در اکثر جوامع، زنان از تحصیل علم محروم بوده‌اند و حتی در

آخرین سالهای قرن بیستم، بر طبق گزارش سال ۲۰۰۰ سازمان ملل متحد در باره زنان جهان، تقریباً دوسوم بیسوادان جهان را زنان تشکیل میدهند (۱۶) این نکته حائز اهمیت است که در دیانت بهائی تأکید بر آنست که زمان و مردان باید از امکانات مساوی برخوردار باشند، بلکه حتی از این نیز فراتر رفته و به تعلیم و تربیت دختران اولویت و اهمیت بیشتری داده شده است.

عدم حضور زنان در صحنه اجتماع خود از عوامل مهمی است که فرهنگ جنگ را تقویت میکند. حضرت عبدالبهاء میفرماید:

"ممکن نیست سعادت عالم انسانی کامل گردد مگر به مساوات کامله زنان و مردان" (۱۷) تساوی حقوق زن و مرد شاید یکی از انقلابی‌ترین تعالیم این ظهور اعظم است. نگاهی بوضع کلی زنان در جهان امروز علیرغم همه کوششهایی که در جهت آزادی زن بعمل آمده و بخصوص توجه به وضع تأسف‌انگیز زنان در جامعه ایرانی مقارن این ظهور اعظم خود این معنا را تأیید میکند. حجاب از چهره برافکندن حضرت طاهره در مجمع بدشت حرکتی نمادینی بود که طلوع عصر جدیدی را در حیات اجتماعی زن وعده میداد. این حرکت شهامت‌آمیز و تحول آفرین در نیمه قرن نوزدهم در بطن جامعه ای آنچنان متحجر و سنت‌گرا در واقع یکی از شگفت‌ترین حرکت های انقلابی در تاریخ دو قرن اخیر ایران میباشد چنانچه اندیشمندان و پژوهشگران اجتماعی ایران نیز بر این معنا گواهی داده‌اند. (۱۸)

### تعدیل معیشت

ای اغنیای ارض فقراء امانت منند در میان شما پس امانت مرا درست حفظ نمائید و براحت نفس خود تمام نپردازید" (حضرت بهاء‌الله، کلمات مکتونه فارسی)

یکی دیگر از تعالیم بهائی که راهگشای صلح عمومی میباشد تعدیل معیشت است چه که وجود ثروت و فقر مفرط در جهان یکی از علل عمده جنگ در عصر حاضر بشمار میرود، در وعده صلح جهانی آمده است:

"اختلاف فاحش و مفرط میان فقیر و غنی سرچشمه مصائب بسیار شده که جهان را از حال توازن خارج میکند و عملاً به پرتگاه جنگ می‌کشاند. بسیار کم‌اند جامعه هائی که درست به این مشکل پرداخته باشند. راه حل این مشکل را باید در ترکیبی از مجموعه ای از اقدامات روحانی و اخلاقی و عملی جستجو نمود و بآن با دید تازه‌ای که مستلزم مشورت با متخصصین در

میدانهای وسیع و متنوع باشد نگرینست" (۱۹)

چگونگی مالکیت و نحوه توزیع ثروت و منابع مادی در جامعه از دیرزمان منشاء اختلافات و درگیریهای فراوان و یکی از علل اصلی جنگها و انقلابات بزرگ بوده است. بخصوص پس از انقلاب صنعتی و با رشد حجم ثروت جهان این مسئله بیش از پیش اهمیت یافته است بطوریکه اختلاف نظر بر سر این مسئله موجب شکاف ایدئولوژیکی و سیاسی عظیمی در جهان گردید و عملاً جهان را به دو قطب عقیدتی تقسیم نمود و موجب جنگ و خونریزی فراوانی در طی یکی قرن اخیر گردید. میتوان گفت که از سال ۱۹۱۷ تقریباً همه قارات عالم عرصه جنگهایی بوه که از اختلاف نظر بر سر این مسئله ناشی شده است. در طی چند دهه اخیر این درگیریها ابعاد تازه ای پیدا کرده است یعنی رویارویی کشورهای صنعتی غرب و ملل جهان سوم که فقر خود را نتیجه استعمارگری گذشته و جدید کشورهای پیشرفته میدانند و معتقدند این کشورها الزام اخلاقی دارند که به آنها کمک کنند.

فقر از دیرزمان یکی از مشکلات اجتماعی جوامع در سراسر جهان بوده است. البته در گذشته های دور، فقراء کم و بیش تن به مقدرات داده بودند و بطور ضمنی پذیرفته بودند که باید به حد اقل اکتفاء کنند و انتظاری بیش از قوت لایموت نداشته باشند. با وقوع انقلاب صنعتی وضع تغییر کرد. انقلاب صنعتی برای اولین بار در تاریخ وعده میداد که بایک مدیریت صحیح و شایسته میتوان یک زندگی مناسب برای همه افراد بشر تضمین نمود. از آن زمان بود که فقراء دیگر حاضر به تحمل مصائب فقر نبودند و آنرا ستمی غیر مستقیم از طرف جامعه میدانستند و اصولاً وجود فقر و ثروت فوق العاده در کنار یکدیگر خود بصورت یک بیعدالتی بزرگ اجتماعی چهره گشود.

با کمال تأسف باید اعتراف کرد که فقر هنوز یکی از مشکلات اساسی عصر حاضر میباشد و تهدید بزرگی برای صلح جهانی بشمار میرود آمار وارقامی که گهگاه از طرف نهادهای بین المللی منتشر میشود در بعضی مواقع بسیار تکان دهنده و اخطارآمیز است با فراتر رفتن روابط اقتصادی از مرزهای ملی بحران اقتصادی نیز ابعادی جهانی پیدا کرده است. مشکل فقر تنها به کشورهای عقب افتاده جهان منحصر نیست، بلکه در ثروتمندترین کشورهای جهان نیز فقر با کربترین چهره خود در کنار ثروت های کلان بچشم می خورد. وجود محله های فقیرنشین در شهرهای بزرگ کشورهای پیشرفته خود نمایانگر این واقعیت تلخ است و شکاف بین ثروت و فقر که روز بروز ژرفتر میگردد خود یکی از نشانه های عدم توازن و بیعدالتی اجتماعی در جهان میباشد. سازمان ملل متحد در یکی از گزارشهای خود در سال ۱۹۹۶ اعلام نمود که

میزان ثروت ۳۵۸ نفر از ثروتمندترین مردم جهان مساوی مجموع درآمد ۴۵ درصد از فقیرترین مردم جهان یعنی در واقع مساوی دارائی ۲/۳ میلیارد نفر از مردم جهان است. سازمان ملل متحد در گزارش دیگری فاش میسازد که تنها ثروت سه نفر از ثروتمندترین مردم جهان از مجموع ثروت ۴۸ کشور در حال توسعه بیشتر است (۲۰) این آمار بوضوح بیانگر آنست که شکاف بین غنی و فقیر در جهان ما در حال عمیق شدن میباشد. بفرموده حضرت عبدالبهاء:

"اما سبب اصلی این مشکلات قوانین طبیعی مدنیت حاضره است زیرا نتیجه این قوانین اینکه نفوسی معدوده بیش از لزوم ثروت بی‌پایان یابند و اکثری برهنه و عریان و بی‌سر و سامان مانند و این مخالف عدالت و مروت و انصاف است ... پس باید نظام و قانونی ترتیب داد که معدل ثروت مفرط نفوس معدوه گردد و باعث سدّ احتیاج هزار میلیون از فقراء جمهور شود" (۲۱)

### ترک تعصبات

تعصبات گوناگون که همچون سریان بر اعماق روح و اندیشه انسانها ریشه دوانده است در واقع بفرموده حضرت عبدالبهاء هادم بنیان انسانی است. آئین بهائی پیروان خود را از هرگونه تعصبی برحذر میدارد، چه که تعصبات بزرگترین مانع بر سر راه صلح جهانی و اتحاد نوع بشر میباشد. مادام که تعصبات مذهبی، ملی، قومی، نژادی و فرهنگی بین مردم جهان شکاف می‌اندازد دورنمای صلح تیره و تار است. حضرت عبدالبهاء میفرماید:

"تعصبات است که عالم را خراب کرده هر عداوت و نزاعی و هر کدورت و ابتلائی که در عالم واقع شده یا از تعصب دینی بوده و یا از تعصب جنسی و یا از تعصب سیاسی. تعصب مذموم و مضر است هر نوع باشد. وقتیکه تعصبات از عالم دور شود آنوقت عالم انسانی نجات یابد" (۲۲)

اصولاً تعصبات در وجود هر انسان ابتدا در محیط خانواده و تحت تأثیر تربیت خانوادگی شکل میگیرد و اثر مسمومکننده خود را بر روح انسان میگذارد و آنگاه در شرایط اجتماعی و فرهنگی تقویت میگردد و باین ترتیب میتوان با تداومی اسف‌انگیز از نسلی به نسل دیگر منتقل گردد. مردمانی که در جنگال تعصبات اسیرند غالباً سعی میکنند به تعصب خود رنگ منطقی دهند و حالتی حق بجانب بخود گیرند، حال آنکه با هیچ منطقی نمیتوان جنگهای خونریز، مشقات و مصائب فراوانی را که تا کنون بر اثر تعصبات بر جامعه بشری وارد آمده و همچنین موانع بزرگی را که بر سر راه صلح، آرامش و رفاه جامعه بشری ایجاد نموده توجیه نمود.

تعصب میتواند انسان عصر تمدن پیشرفته را به وحشیانه ترین اعمال و پائین ترین مراحل تدنی

اخلاقی و انسانی سوق دهد. وقایع موحد و تکان دهنده قرن بیستم مانند فاجعه قتل عام یهودیان توسط رژیم نازی در طی جنگ جهانی دوم و جنایاتی که در سالهای اخیر تحت عنوان تصفیه قومی در اروپای شرقی رخ داد و جنگها و فجایعی که با انگیزه تعصبات مذهبی و یا نژادی هنوز در گوشه و کنار جهان اتفاق می افتد شاهد این مدعاست.

در زمان ما ارتباط و تماس بین مردمان از فرهنگها و ملیتهای گوناگون بعلاوه رشد ارتباطات، بسیار بیشتر از گذشته شده است. حرکت توده های زیادی از مردم تحت عنوان مهاجرت، تجارت، جهانگری و پناهندگی برای اولین بار در تاریخ ملل و اقوام مختلف را در تماس نزدیک با یکدیگر قرار داده و این امر گرچه در دراز مدت نتایج ثمر بخشی خواهد داشت ولی مقدمتاً میتواند موجب برانگیختن حس تعصب گردد.

اصل وحدت در کثرت که تعالیم بهائی ترویج مینماید بهترین طریق برای برطرف نمودن تعصبات و دگرستیزی میباشد. دیانت بهائی ناظر به وحدت عالم انسانی است و متحدالشکل ساختن را نفی میکند و تنوع و گوناگونی نوع بشر را ارج می نهد و آنرا موجب غنی شدن و شکوفائی فرهنگ جهان میداند. هیاکل مقدسه دیانت بهائی مروج چنین طرز فکری بوده اند. حضرت عبدالبهاء با ظرافت خاصی تنوع افراد بشر را در بیانی به الحان مختلف موسیقی و در جای دیگر به گلهای رنگارنگ یک بوستان تشبیه فرموده اند:

"این تنوع در جامعه انسانی باید موجب محبت و یگانگی و مایه اتفاق و یکرنگی گردد بمثابه موسیقی که چون الحان مختلفه ترکیب یابد و اصوات متنوعه مقترن و موزون شود نغمه بدیع فراهم آید و آهنگ دلپذیر آذان را متلذذ و محظوظ نماید" (۲۳)

"اگر حدیقه ای از گلهای و ریاحین و شکوفه و اثمار و اوراق و اغصان و اشجار از یک نوع و یک لوم و یک ترکیب و یک ترتیب باشد بهیچوجه لطافتی و حلاوتی ندارد و لکن چون الوان و اوراق و ازهار و اثمار گوناگون باشد هر یکی سبب تزئین و جلوه سائر الوان گردد و حدیقه انیقه شود و در نهایت لطافت و طراوت و حلاوت جلوه نماید و همچنین تفاوت و تنوع افکار و اشکال و آراء و طبایع و اخلاق عالم انسانی چون در ظل قوه واحده و نفوذ کلمه وحدانیت باشد در نهایت عظمت و جمال و علویت و کمال ظاهر و آشکار شود" (۲۴)

#### تعلیم و تربیت عمومی و اجباری

"انسان طلسم اعظم است و لکن عدم تربیت او را از آنچه با اوست محروم نموده" (حضرت

از دیر زمان تعلیم و تربیت نفوس و پرورش قوای روحانی و معنوی انسان هدف و مقصد پیامبران الهی بوده ولی در این ظهور اعظم بر این امر مهم بیش از پیش تأکید شده است تا جائی که تعلیم و تربیت عمومی و اجباری یکی از اصول اساسی دیانت بهائی قرار گرفته است. حضرت بهاء الله میفرماید:

"انسان را بمتابه معدن که دارای احجار کریمه است مشاهده نما، بتربیت جواهر آن بعرصه شهود آید" (۲۵)

یکی از مهم‌ترین وظائف پدر و مادر تربیت فرزندان میباشد. حضرت عبدالبهاء بر این وظیفه مهم چنین تأکید میفرماید:

"بر پدر و مادر فرض عین است که دختر و پسر را بنهایت همت تعلیم و تربیت نماید و از پستان عرفان شیر دهند و در آغوش علوم و معارف پرورش بخشند و اگر در این خصوص قصور کنند در نزد رب غیور مأخوذ و مذموم و مدحورند و این گناهی است غیر مغفور... (۲۶)

تعلیم و تربیت در امر بهائی از چنان اهمیتی برخوردار است که با آنکه بر اساس تعالیم این آئین مرد و زن از تساوی کامل برخوردارند اما در شرایطی که خانواده ای بر اثر محدودیت امکانات مجبور به انتخاب باشد، تعلیم و تربیت دختران مقدم شمرده شده است، چه که دختران مادران آینده هستند و بفرموده حضرت عبدالبهاء اولین مربی طفل مادر است. همچنین تعلیم و تربیت در دیانت بهائی عمومی و اجباری اعلام شده است و اگر پدر و مادری در این امر مهم قصور نماید و یا طفلی بی‌سرپرست باشد جامعه و یا هیئیت اجتماعیه مسئول تعلیم و تربیت آن طفل است.

نگاهی به وضع تربیتی اطفال و نوجوانان در سراسر جهان و حتی در کشورهای پیشرفته که از امکانات فراوانی برخوردارند نمایانگر اهمیّت حیاتی این تعلیم مبارک است. فروپاشیدگی خانواده‌ها و از هم‌گسیختگی نظام اجتماعی و سقوط موازین اخلاقی اثرات نامطلوب خود را مستقیماً بر نونهالان جامعه میگذارد. اطفال و نوجوانان از دیرزمان مظهر بیگناهی و پاکی در جامعه بشری بوده اند ولی امروزه سقوط معنوی جامعه بشری بجائی رسیده که هر که‌گاه با وحشت و تأسف شاهد جنایات هولناکی بدست اطفال و نوجوانان در کشورهای پیشرفته هستیم از سوی دیگر، در کشورهای عقب افتاده اطفال از تعلیم و تربیت و بهداشت و رفاه و همه امکانات اولیه محروم هستند در بسیاری از این کشورها اطفال برای امرار معاش خود و خانوادشان در

سنین خردسالی مجبور به کارهای سخت میگردند و حتی در بعضی موارد به مفسد و فحشا سوق داده میشوند.

وضع نابسامان تربیت اخلاقی کودکان و نوجوانان در جهان امروز بسیار تکان‌دهنده و اخطارآمیز است و بیش از پیش جوامع را متوجه حیاتی بودن امر تعلیم و تربیت مینماید، چه که حیات معنوی جامعه فردا و اصولاً مدنیت آینده بر تربیت اخلاقی کودکان امروز متکی است در باره اهمیت حیاتی امر تعلیم و تربیت و تأثیر آن بر شخصیت انسان. حضرت عبدالبهاء میفرماید:

"تعلیم اطفال و پرورش کودکان اعظم مناقب عالم انسان و جاذب الطاف و عنایت حضرت رحمان است زیرا این اس اساس فضائل عالم انسانیت و سبب تدرج باوج عزّت جاودانی ... اگر در این مورد عظیم همت جلیله مبذول شود عالم انسانی زینت دیگر یابد و نورانیت دیگر حاصل نماید جهان ظلمانی نورانی شود و عالم امکانی بهشت جاودان گردد حتی دیوان فرشتگان شوند و گرگان شبان اغنام گردند ... لهذا باید مسئله تربیت را بسیار مهمّ شمرد" (۲۷)

### هم‌آهنگی علم و دین

"دین با علم توأم است زیرا دین و علم هر دو حقیقت است اگر دین مخالف حقیقت باشد و هم است و هر مسئله دینی که مخالف علم صحیح و عقل کامل باشد شایان اعتماد نه پس تقلید و رسوماتی که منافی علم و ترقی است باید زائل نمود" (۲۸)

این بیان حضرت عبدالبهاء دیدگاه دیانت بهائی را در مورد هم‌آهنگی علم و دین روشن میسازد. هدف علم و دین هر دو کشف حقیقت است و از آنجائی که حقیقت یکی است دین حقیقی نمیتواند با علم سر ناسازگاری داشته باشد. اما امروزه در بین اکثر مردم روشنفکر این احساس و یا توهم وجود دارد که دین با علم در تضادّ قرار میگیرد علت پیدایش این احساس آنست که اکثر ادیان و فرق مذهبی افکار و عقایدی را ترویج میکنند که بوضوح با حقایق علمی و عقل و منطق در اصطکاک قرار میگیرد. بفرموده حضرت عبدالبهاء:

"اگر دین را به علم تطبیق میکردند حقیقت ظاهر میشد و ظهور حقیقت سبب ازاله خلاف میگشت" (۲۹)

پیروان ادیان کهن بمرور زمان از مبانی روحانی دین خود دور افتاده و به عقاید خرافی که با

حقایق علمی سازگار نیست گرایش پیدا کرده اند و همین امر سبب پیدایش شکاف بین علم و دین شده است. این خرافه پرستی که از طرف پیشوایان دینی نیز حمایت شده قرن‌ها سد راه پیشرفت جوامع بوده است. اصطکاک علم و دین در طول تاریخ شواهد فراوانی دارد. چه بسا دانشمندان و محققینی که بخاطر فعالیت‌های علمی خود از ناحیه مؤسسات مذهبی مورد تعقیب و شکنجه قرار گرفته و حتی با فجیع‌ترین وضعی بمرگ محکوم شده اند. مقاومت کلیسا در مقابل علم و عقاید علمی در قرون وسطی و رفتار خشونت‌آمیز ارباب کلیسا با گالیله از نمونه های بارز این درگیری است. ولی علم براه خود ادامه داد و سدهای خرافات را شکست و بر بینش و آگاهی مردم افزود. واقعیت گرائی علم باعث گردید که در حیات اجتماعی بشر، علم بر دین غلبه کند و گرایش علمی بر افکار جهانیان تسلط یابد. دیانت بهائی علم و دین را مکمل یکدیگر می‌شمرد و هر دو را برای پیشبرد تمدن بشری لازم میدانند دین پاسخگوی نیازهای اخلاقی و معنوی انسان است، حال آنکه علم پاسخگوی نیازهای مادی است اگر مبانی دینی سست گردد غرور و خودخواهی بر بشر غلبه میکند و میتواند بشریت را بمسیر خطرناکی بکشاند و بالعکس اگر علم از پیشرفت و کارائی باز ماند حقایق روحانی دین در زیر پرده جهل و خرافات پنهان میشود و بشریت از حقیقت بدور می‌افتد. بقول آلبرت انیشتین "علم بدون دین لنگ است و دین بدون علم کور" (۳۰) حضرت عبدالبهاء در مورد لزوم تطابق علم و دین میفرمایند:

"دین باید مطابق علم و عقل باشد اگر مطابق علم و عقل نباشد او هام است" (۳۱)

### وحدت زبان و خط

حضرت بهاءالله در لوح مقصود میفرمایند:

از جمله اموری که سبب اتحاد و اتفاق میگردد و جمیع عالم یک وطن مشاهده میشود آنست که السن مختلفه بیک لسان منتهی گردد و همچنین خطوط عالم به یک خط، باید جمیع ملل نفوسی معین نمایند از اهل ادراک و کمال تا مجتمع شوند و بمشاورت یکدیگر یک لسان اختیار کنند چه از السن مختلفه موجوده و چه لسان جدید تازه اختراع نمایند و در جمیع مدارس عالم اطفال را به آن تعلیم دهند" (۳۲)

یکی از تعالیمی که بشریت را در جهت تحقق وحدت عالم انسانی یاری میدهد تأسیس یک زبان بین المللی است که در کنار زبان مادری آموخته شود. وجود یک زبان مشترک موجب تسهیل تفهیم و تفهم بین ملل جهان میگردد، سوء تفاهم و بیگانگی را برطرف نموده راه را جهت



حصول صلح و وحدت نوع انسان هموار میسازد. البته منظور از وحدت زبان منسوخ نمودن زبانهای مختلف نیست، چه که دیانت بهائی بر اساس اصل وحدت در کثرت، ادبیات، زبان، هنر و فرهنگ اقوام مختلف را ارج می نهد و ترویج می نماید، بلکه هدف اینست که یک زبان بین المللی در کنار زبان مادری آموخته شود تا مردم جهان بتوانند بر راحتی با یکدیگر در تماس باشند بدون آنکه مجبور شوند سالها وقت ارزشمند خود را صرف فراگیری زبانهای گوناگون نمایند.

### سایر تعالیم

البته بررسی کامل همه تعالیمی که مبادی اجتماعی آئین بهائی را تشکیل میدهند در این مختصر نمی گنجد شاید بتوان برای اجتناب از تطویل کلام فقط به اشاره کوتاهی به بعضی از تعالیم دیگر اکتفاء نمود و مطالعه جامع و وسیع در این باره را به علاقمندان اندیشمند واگذار کرد.

تأکید بر اهمیت کشاورزی بعنوان اساس اقتصاد و نیز بر لزوم اشتغال به کسب و کار مفید و اجتناب از تنبلی و کاهلی از جمله اصولی است که باعث رونق و شکوفائی اقتصاد خواهد شد. در آئین بهائی کار عبادت شمرده شده و بالاترین نوع عبارت خدمت به عالم انسانی میباشد:

"قد وجب علی کلّ واحد منکم الاشتغال بامر من الامور من الصنایع و الاقتراف و امثالها و جعلنا اشتغالکم بها نفس العبادت لله الحق" (۳۳) (ترجمه مضمون کلام: به تحقیق بر هر یک از شما واجب شد که بکاری از صنعت یا تجارت و امثال آن مشغول شوید و اشتغال شما را به آن کار نفس عبادت خداوند قرار دادیم.)

"امروز انسان کسی است که به خدمت جمیع من علی الارض قیام نماید" (۳۴)

این تعالیم به همراه بسیاری از دستورات اخلاقی زیربنای معنوی اقتصاد بهائی را تشکیل میدهد. البته بررسی تعالیم اقتصادی امر مبارک خود در خور بحث جداگانه ایست که میتواند موضوع مقاله مبسوطی قرار گیرد. لزوم تأسیس یک پول جهانی و واحدهای مشترک اندازه گیری اوزان و مقادیر بین المللی نیز از تعالیمی است که به جریان جهانی شدن و وحدت نوع بشر کمک میکند.

اصولاً تعالیم بهائی آنچنان عملی است و با نیازهای زمان هم گامی دارد که هرگاه موقعیت ایجاب نماید ملل جهان بدون آنکه خود متوجه باشند خواه و ناخواه بسوی تحقق بسیاری از آنها گام برمیدارند. مثلاً تأسیس پول واحد خود یکی از نمونه های آنست که در حال حاضر ملل اروپائی علیرغم مقاومت های شدید در این راه پیشگام شده اند. نگاهی به گذشته های نه چندان

دور نشان میدهد که کشورهای اروپائی که اکنون نمایندگانشان بر سر میز اتحاد اروپا در کنار هم نشسته اند و دوستانه جهت منافع مشترک خود بعنوان یک واحد تصمیم میگیرند و با تأسیس پول مشترک، بسوی اتحاد و یکپارچگی بیشتر گام برمیدارند تا نیمه قرن بیستم دشمنان قسم خورده‌ای بودند که تنها تماسشان با یکدیگر در میدانهای جنگ و از طریق سلاح‌های آتشین بود. تصور شکل گرفتن چنین اتحادی تا چند دهه پیش حتی برای متفکرین و اندیشمندان پیشرو نیز غیرممکن بود. ولی مقتضیات زمان این ملل را به یکدیگر نزدیک نموده است و حرکت اجتناب ناپذیر تاریخ آنها را بسوی اتحاد بیشتر به پیش میبرد.

### نظم اداری دیانت بهائی

یکی از ویژگیهای برجسته دیانت بهائی در برداشتن اصول و تعالیمی جهت فعالیت‌های جمعی جامعه بشری میباشد. همانطور که قبلاً اشاره شد در بین تعالیم ادیان گذشته بندرت میتوان دستورالعملهایی در مورد اداره امور جامعه و فعالیت‌های اجتماعی پیدا کرد. روابط انسانها در آن زمانها محدود به جوامع کوچک بود اما امروزه اندیشمندان کره زمین را دهکده جهانی توصیف کرده‌اند. چه که دایره روابط انسانها بوسعت کره زمین شده است و البته اصول و تعالیمی که میتواند هادی و راهنمای چنین جامعه‌ای باشد باید فراگیر و جهان‌شمول بوده تمامی کره زمین را در برگیرد و با مقتضیات کنونی جامعه بشری هم‌آهنگی داشته باشد. پیشرفت شگرف علوم و صنایع مخصوصاً در طی یک قرن اخیر جهان را کاملاً بشکلی نو درآورده و روابط انسانها را دستخوش تغییر و تحولی بنیادی ساخته است. جامعه بشری اکنون وارد مرحله جهانی شدن میشود. جهانی شدن جریانی است بسیار پر قدرت که همه مرزها و موانع را در هم کوبیده و بسرعت در حال پیشرفت است. حتی کسانی که با گرایش قوی به افکار دیرینه سعی دارند در مقابل این حرکت ایستادگی نمایند خود را در مقابل آن بسی ناتوان یافته و بطور ضمنی مجبور به پذیرفتن راه‌آورد‌های آن شده‌اند.

مسائلی که امروزه بشریت با آن روبروست مانند آلودگی زیانبار محیط زیست، تهدید موحش جنگ اتمی، اختلاف شدید و غیر عادلانه در توزیع منابع مادی و وجود فقر در سطحی وسیع، رواج تعصبات مذهبی، قومی و ملی و جنگها و گرایشهای تروریستی ناشی از این تعصبات که با لگام گسیختگی خاصی در ابعادی وسیع و موحش ظاهر شده و بشریت را دچار حیرتی آمیخته به وحشت ساخته است مسائلی است آنچنان بغرنج و پیچیده که سیاستمداران جامعه شناسان، اقتصاددانان، اندیشمندان و فلاسفه جهان از حل آن عاجز مانده اند. این مسائل را نمیتوان بکمک سیاستهای سنتی دیرینه که در محدوده مرزهای ملی کاربرد داشت حل نمود، بلکه حل آنها

مستلزم اقدام و توجّهی همه جانبه از طرف همه ملل جهان در سطحی جهانی میباشد. تنها یکپارچگی و اتحاد مردم جهان در چهارچوب نظامی نو قادر است بشریّت را از بن بست این مشکلات برهاند.

ساختار تشکیلاتی جامعه بهائی در سطح محلی، ملی و بین المللی دارای آنچنان ظرفیّت و کارائی میباشد که براحتی میتواند تمامی جامعه بشری را در بر گیرد و در عین حال که آزادی عمل و فرهنگهای متنوع جوامع محلی و ملی را حفظ میکند تمامی بشریّت را در یک سطح جهانی بیکدیگر پیوند داده مّتحّد سازد. این نظام در واقع یک نوع دموکراسی روحانی پیشرفته ارائه میدهد. از جمله ویژگی خاصّ تشکیلات بهائی آنست که در این تشکیلات هیچ فردی تمایز و برتری بر دیگران ندارد و اصولاً جامعه از رهبری فردی که باعث گرایش به دیکتاتوری و خودکامگی میگردد بکلی برکنار میباشد. برخلاف تشکیلات کنونی جهان، اعضای منتخبه تشکیلات بهائی فقط بطور دستجمعی و در نفس تشکیلات، دارای قدرت و اختیارات میباشند و بعنوان فرد فاقد هرگونه اختیاری هستند. کلیه تصمیمات بر اساس مشورت و تبادل نظر اتّخاذ میگردد. روش مشورت بهائی کاملاً با روش مجادله و رویارویی در نظامهای دموکراتیک فرق دارد و بیشتر بر مبنای روش علمی و کشف حقیقت میباشد.

انتخابات بهائی نیز از ویژگیهای خاصی برخوردار است. این انتخابات کاملاً با اصول دموکراتیک یعنی حق رأی عمومی، رأی مخفی و آزادی انتخاب انجام میشود. در انتخابات بهائی بر خلاف نظامهای کنونی تعیین کاندیدا، مبارزه انتخاباتی و وجود احزاب و فعالیت‌های سیاسی مرسوم نیست، بلکه انتخابات در محیطی آرام و با دعا و مناجات و در جوّی کاملاً روحانی برگزار میشود.

دیدگاه آئین بهائی در مورد آینده یک نظام فدرال جهانی است که دارای قوه قانونگذاری، اجرائی و قضائی باشد. در حالیکه وحدت جامعه جهانی حفظ میگردد از تمرکز بیش از حد قدرت جلوگیری میشود و اختیارات جوامع محلی و ملی حفظ میگردد.

"نظم جهانی حضرت بهاءالله... از یک طرف تمرکز بیش از حد قدرت را نفی میکند و از سوی دیگر کوشش در جهت اتّحاد شکل را رد مینماید هدف آن وحدت در کثرت است... اصل وحدت عالم انسانی... بمفهوم تأسیس یک جامعه مّتحّد جهانی میباشد... که در آن همه ملل و نژادها و ادیان در کلیه شئون اصلی حیات مّتحّد باشند... و در عین حال خودمختاری و خصوصیات ملی

ممالک اعضای آن محفوظ ماند" (۳۵) (ترجمه)

گسترش روابط بین ملت‌ها و لزوم تأسیس سازمان‌های بین‌المللی از جمله نیازهای این زمان است که بشریت بسوی جهانی شدن به پیش میرود و طبعاً دیانت بهائی دستوراتی صریح در این زمینه نیز ارائه داده است. یکی از نهادهای مهم بین‌المللی که در آثار بهائی به اهمیت آن اشاره شده دادگاه جهانی است که بنا بفرموده حضرت ولی امرالله "در کلیه مناقشات احتمالی بین عناصر مختلفه این نظم عمومی قضاوت نموده حکم لازم الاجراء و نهائی خویش را صادر خواهد کرد" (۳۶)

### نتیجه‌گیری

آنچه را که دیانت بهائی بعنوان نظم جدید جهانی ارائه داده در واقع نظام نوینی است که مقدر شده است در طول زمان جایگزین نظام‌های نارسای کنونی جهان گردد و چهارچوبی برای امور اجتماعی در مرحله بعدی تکامل بشری می‌باشد که اکنون زمان آن فرا رسیده است.

فرو ریختن نظام‌های کهنه عالم، بشریت را در یک خلاء آرمانی قرار داده و دچار سرگردانی و پریشانی ساخته است همه این رنج‌ها و مصائبی که امروزه بشر بآن روبروست خود از اثر این تحولات است که در مقاطع تاریخی و نقطه عطف تمدن‌ها روی می‌دهد. آشفتگی اجتماعی و اقتصادی در سراسر جهان، انحطاط مؤسسات مذهبی، تدنی اخلاقی و معنوی انسانها، گرایش شدید به مادیات، سقوط نظام‌های عقیدتی و فقدان آرمان، فساد سیاسی و گسترش بی‌اعتمادی و بدگمانی در جامعه، عصیان و قانون شکنی و عدم احساس مسئولیت اجتماعی از خصوصیات بارز این عصر انتقال است.

دکتر حسین دانش علائم زوال تمدن کنونی را در کتاب *Unity, The Creative Foundation of Peace* چنین توصیه می‌کند: (ترجمه)

"در جهان ما حرکت اجتناب‌ناپذیر دگرگونی‌ها بطور پیوسته بنیان نهادهای کهن را سست می‌کند و عملاً ما را مجبور می‌سازد تا باورهای دیرینه خود را در باره همه جنبه‌های زندگی و معتقدات خود مورد تجدید نظر قرار داده از نو ارزشیابی نمائیم. نگرانی و فشارهای زیادی که بر روح افراد بشر سنگینی می‌کند، سستی بنیان ازدواج و از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها بمیزانی نگران‌کننده، شرایط نامناسب و نارسای نظام آموزشی، حالت سردرگمی و ابهامی که بی‌نظمی اقتصاد جهانی را احاطه کرده، عدم کارائی معتقدات دیرینه مذهبی و مکتب‌های عقیدتی جدید در پاسخگویی به

نیازهای کنونی جامعه بشری و ناتوانی اسفبار رهبران سیاسی و علمی از یافتن راه‌حلی برای مشکلاتی که رویاروی بشریت قرار دارد، این‌ها بعضی از نشانه‌های سقوط تمدن کنونی بشر می‌باشد" (۳۷)

همانگونه که در آغاز این نوشتار اشاره رفت از دیدگاه آئین بهائی، سیر وقایع جهان و حرکت تاریخ جهت مشخصی دارد و هدف معینی را دنبال میکند. در واقع تاریخ تنها شرح جنگ‌های خونین بین گروه‌های متخاصم و کشمکش بر سر قدرت نیست، بلکه عبارت است از یک جریان رشد و پیشرفت بسوی یک هدف مشخص که در نهایت، تکامل روحانی بشریت و پیشبرد تمدن را در بر دارد. این معنا را نه تنها پیامبران الهی، بلکه فلاسفه و اندیشمندان نیز تأیید کرده‌اند چنانچه امانوئل کانت در مقاله "صلح ابدی" مینویسد:

"تاریخ حیات بشری را با دیدی کلی میتوان تحقق یک نقشه پنهانی طبیعت در جهت تأسیس یک نظام اجتماعی که از نظر ظاهر و باطن هر دو در حد کمال باشد، نظامی که در آن کلیه استعدادهایی که در وجود بشر بودیعه نهاده شده بتواند بطور کامل رشد نموده شکوفا گردد" (۳۸)

این مقاله را با بیانی از حضرت ولی امرالله در توصیف وحدت عالم انسانی بعنوان مرحله‌ای که بشریت بر حسب مقدرات خود به آن نزدیک میشود بپایان میرسانیم:

"وحدت نوع بشر چنانچه منظور نظر حضرت بهاءالله است به مفهوم تأسیس یک جامعه متحد جهانی می‌باشد که در آن تمامی ملل و نژادهای وادیان و طبقات بطور کامل و برای همیشه متحد گردند و خودمختاری ممالک اعضای آن و همچنین آزادی شخصی و ابتکارات فردی منجزاً محفوظ ماند... در چنین جامعه جهانی علم و دین یعنی نیرومندترین قوای موجود در حیات بشری با هم درآشتی و اشتراک مساعی بوده بطور هم‌آهنگ رشد خواهند کرد... رقابتها و خصومتها و دسائس ملی موقوف و عداوت و تعصب نژادی به دوستی و حسن تفاهم و تعاون بین نژادها تبدیل خواهد شد. علل منازعات دینی برای همیشه رفع خواهد گردید و موانع و قیود اقتصادی بکلی برطرف و تفاوت فاحش بین طبقات مرتفع خواهد شد" (۳۹)

#### منابع و یادداشت‌ها

۱\_ حضرت عبدالبهاء، "رساله مدنیّه" لجنه ملی نشر آثار، لانگه‌این \_ آلمان ۱۹۸۴ ص ۹۱

۲\_ حضرت عبدالبهاء، "رساله مدنیّه" ص ۱۰۴

- ۳\_ آرنولد توین بی Civilization on Trial انتشارات دانشگاه آکسفورد ۱۹۴۸ ص ۲۰۴
- ۴\_ حضرت عبدالبهاء، نقل شده در "بهاءالله و عصر جدید" دکتراسلمنت چاپ برزیل ۱۹۸۸ ص ۱۴۱
- ۵\_ حضرت ولی امرالله، "جلوه مدنیت الهیه" ترجمه جمشید فنائیان چاپ هند ۱۹۸۶ ص ۷
- ۶\_ حضرت بهاءالله، کلمات فردوسیة" مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی" لجنه ملى نشر آثار، لانگهاین \_ آلمان ۱۹۸۰ ص ۳۷
- ۷\_ حضرت بهاءالله، "مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاءالله" ویلمت \_ ایلینوی ۱۹۷۸ ص ۲۸۴
- ۸\_ حضرت بهاءالله، لوح دنیا "مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی" ص ۵۳
- ۹\_ حضرت عبدالبهاء، "رساله مدنیة" صص ۷\_ ۸۶
- ۱۰\_ حضرت ولی امرالله، نقل شده در "بهاءالله و عصر جدید" ص ۳۱۱
- ۱۱\_ وعده صلح جهانی ترجمه بیانیه بیت العدل اعظم چاپ هند ص ۱
- ۱۲\_ حضرت بهاءالله، لوح مقصود"مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی" ص ۱۰۵
- ۱۳\_ حضرت بهاءالله، "مجموعه ای از الواح" ص ۱۰۵
- ۱۴\_ حضرت عبدالبهاء، نقل شده در "امر و خلق" جلد چهارم فاضل مازندرانی لجنه ملى نشر آثار لانگهاین \_ آلمان صص ۶\_ ۳۲۵
- ۱۵\_ جان هادلستون "در جستجوی عدالت اجتماعی" ترجمه حوریوش رحمانی، سنچری پرس ۱۹۹۸ ص ۱۴۰
- ۱۶\_ The World,s Women ۲۰۰۰: Trends and Statistics\_۱۷\_ حضرت عبدالتهباء "مجموعه خطابات حضرت عبدالبهاء" قسمت دوّم لجنه ملى نشر آثار، لانگهاین \_ آلمان ۱۹۸۴ ص ۱۵۰

- ۱۸ \_ دلارام مشهوری، "رگ تاک" انتشارات خاوران. پاریس صص ۲۰\_۲۱۸
- ۱۹ \_ وعده صلح جهانی، "بیانیه بیت العدل اعظم" صص ۱\_۲۰
- ۲۰ \_ روزنامه سیدنی مورنینگ هوالد مورخ ۲۲ آگست ۱۹۹۷
- ۲۱ \_ حضرت عبدالبهاء، "مفاوضات" چاپ مصر، ص ۱۹۱
- ۲۲ \_ حضرت عبدالبهاء، نقل شده در گلزار تعالیم بهائی، دکتر ریاض قدیمی. لجنه ملی نشر آثار لانگهاین \_ آلمان ۱۹۸۵ ص ۱۲۲
- ۲۳ \_ حضرت عبدالبهاء، نقل شده در "گلزار تعالیم بهائی" ص ۱۲۲
- ۲۴ \_ حضرت عبدالبهاء "ظهور عدل الهی" ویلمت \_ ایلینوی، ۱۹۸۵ ص ۱۱۵
- ۲۵ \_ حضرت بهاءالله، نقل شده در "گلزار تعالیم بهائی" ص ۳۷
- ۲۶ \_ حضرت عبدالبهاء، نقل شده در "امر و خلق" جلد سوم ص ۳۲۷
- ۲۷ \_ حضرت عبدالبهاء، "منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء" ویلمت \_ ایلینوی ۱۹۷۹ ص ۱۲۶\_۷
- ۲۸ \_ حضرت عبدالبهاء، خطابات قسمت دوم ص ۵۶
- ۲۹ \_ حضرت عبدالبهاء، خطابات قسمت اول ص ۱۵۸
- ۳۰ \_ گای مورکی، Seven Mystries بوستن، انتشارات Houghton Mifflin Company ص ۶۱۵
- ۳۱ \_ حضرت عبدالبهاء، خطابات قسمت دوزم ص ۲۲۷
- ۳۲ \_ حضرت بهاءالله، لوح مقصود "مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی" ص ۹۹
- ۳۳ \_ حضرت بهاءالله، لوح بشارات "مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی" ص ۱۳

- ۳۴\_ حضرت بهاءالله، لوح مقصود "مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی" ص ۱۰۱
- ۳۵\_ حضرت ولی امرالله، The World order of Baha'u'llah ویلمت \_ ایلینوی ۱۹۹۱  
ص ۳\_ ۴۲
- ۳۶\_ حضرت ولی امرالله، "جلوه مدنیت الهیه" ص ۱۰۳
- ۳۷\_ دکتر حسین دانش، Unity The Creative Foundation of Peace از انتشارات  
Baha'i Studies کانادا ۱۹۸۶ ص ۱۸
- ۳۸\_ نقل از کتاب The Renewal of civilization نوشته دیوید هافمن. انتشارات جورج  
رنالد ص ۳۷
- ۳۹\_ حضرت ولی امرالله "جلوه مدنیت الهیه" صص ۵\_ ۱۰۳
- معمانی لغات دشوار در آثار بهائی:
- تلامذه \_ شاگردان خلع \_ برکندن سراج و هاج \_ چراغ روشن  
زجاجه \_ شیشه بطحا \_ مگه منطوق \_ مورد ذکر و بیان  
لن یتغیر \_ تغییر ناپذیر شبر \_ وجب لوجه الله \_ برای خاطر خدا  
فوز و فلاح \_ رستگاری نجاح من فی البلاد \_ نجات همه کسانی که در شهرها و ممالک هستند.  
اریاح یأس \_ بادهای نومیدی اسباب \_ نظم و ترتیب. لابد \_ ناچار و ناگزیر  
رایت \_ بیرق اعتساف \_ ظلم و جور اغنیای ارض \_ توانگران زمین  
معدّل \_ تعدیل کننده هادم \_ ویران کننده مذموم \_ ناپسند  
مقترن \_ همراه حدیقه انیقه \_ باغ زیبا و آراسته. احجار کریمه \_ سنگهای قیمتی  
مدحور \_ شکست خورده (اینجا سرخورده) غیرمغفور \_ نابخشودنی



ازاله\_ از میان بردن السن\_ زبانها خصومتها\_ دشمنی ها

دسائس\_ دسیسه‌ها و توطئه‌ها. قیود\_ بندها و حدود.

توضیح:

حضرت عبدالبهاء فرزند و جانشین و مبیین و مفسر آثار حضرت بهاء الله بوده‌اند که در فاصله ۱۸۹۲ و ۱۹۲۱ زمام امور جامعه بهائی را بدست داشتند جانشین ایشان حضرت شوقی افندی ربّانی بودند که در سالهای ۱۹۲۱\_۱۹۵۷ همان وظیفه را عهده‌دار شدند. از سال ۱۹۶۳ مرکز روحانی و مرجع اداری امر بهائی در سراسر جهان بیت العدل اعظم است که هر ۵ سال یکبار توسط نمایندگان جمهور مؤمنان انتخاب می‌شود.